

یک اتفاق ساده

یادتان‌نروداز‌حقوق‌همه هنرمندان‌دفاع‌کنید



کیوان کثیریان

● ۱. گاهی تعدد اتفاقات و رویدادها در سینما باعث می‌شود، مشکلات حل‌نشده قبلی به بوته فراموشی سپرده شوند. فراموشی ظاهراً از نعماتی است که به بشر اعطا شده تا وقایع تلخ، به مدت طولانی ذهن و روح آدم‌ها را نخرانند. اما طبعاً این فراموشی، در همه موارد مجاز نیست. برخی وقایع باید مکرر یادآوری شوند تا کارهای ناتمام و بر زمین‌مانده از یاد نروند. مثلاً یادمان نرود که جز فیلم «سناخیز» که به‌ناحق در محاق افتاده است، «عصبانی نیستم» هم با وجود در‌دست‌داشتن پروانه نمایش از دولت جمهوری اسلامی، دچار وضعیتی مشابه است، یادمان نرود که از حق رضا درمیشیان هم دفاع کنیم، یادمان نرود که «خانه پدری»، کیانوش عیاری هم پروانه نمایش رسمی داشت ولی به‌ناحق از اکران پایین کشیده شد. یادمان باشد که «آشغال‌های دوست‌داشتنی»، محسن امیریوسفی هنوز بی‌جهت بلاتکلیف است، «خانه دختر» و «مادر قلب‌انمی» هم همین‌طور. هم دولت و هم نهاد صنفی درقبال همه سینماگران مسئولیت دارند و موظفند در قبال تضییع حقوق همه آنها واکنش نشان دهند. احمدرضا درویش، هنرمندی بزرگ و ارزشمند است که حشش ضایع شده، ولی تضییع حقوق مابقی هنرمندان را هم فراموش نکنیم. دولتمرد، مسئول دفاع از حقوق ملت است، همه ملت. هنرمندان نباید توان اخلاف‌نظر مسئولان را بدهند.

۲. فیلم پرهزینه محمد (ص) - به دلایل متعددی فیلم مهمی است. از ته دل امیدوارم همان‌گونه که کارگردانش می‌گوید، ۱۰ برابر هزینه‌اش بفروشد. البته نظرات متفاوتی هم درباره آن ابراز شده. برخی فیلم را دوست ندارند و برخی از آن خوششان آمده. حرف‌ها و استدلال‌های هر دو طرف هم قابل تأمل است. اما اگر قرار باشد فضای دوقطبی حول این فیلم منجر به خط‌کشی ایدئولوژیک شود، کار، سخت می‌شود. برخی موافقان فیلم محمد(ص) چنین وانمود می‌کنند که منتقدان این فیلم که به آن ایرادهای ساختاری و مضمونی وارد آورده‌اند، اساساً با موضوع فیلم و شخصیت پیامبر اکرم (ص) مشکل دارند! طبعاً استدلال از این سست‌تر نمی‌شود. اصلاً مگر به این است که فقط با یک فیلم طرفیم و نه با یک پدیده آسمانی و الهی؟ مگر نه این است که این فیلم توسط یک انسان ساخته شده؟! اینکه برای محکوم‌کردن منتقدان فیلم محمد (ص)، آنها را با انواع برچسب‌های نامربوط متهم کنیم، تنها نشانه بی‌صداقتی و سستی منطق مدافعان فیلم است. باید اجازه داد همه کارشناسان به‌راحتی فیلم را نقد کنند و به اظهارنظر درباره آن بپردازند. اگر جز این باشد، اتفاقاً به‌کمانم ظلم به مقام و شخصیت حضرت رسول(ص) است. ساختن یک فیلم درباره پیامبر اکرم(ص) کسی را به مقام معصومیت نمی‌رساند و فیلمی را مقدس نمی‌کند که اگر این‌طور بود، باید همه بر مرقد مصطفی عقاد مرحوم، دخیل می‌بستم!

۳. جواد شمقدری، رئیس پیشین سازمان سینمایی، اخیراً فعال‌تر در مباحث سینمایی ورود می‌کند و مدام یادداشت‌هایش را در سایت تحت‌مدیریتش منتشر می‌کند. تا اینجا کار ایرادی وجود ندارد. ولی نکته مهم موضعی است که در این اظهارنظرها به چشم می‌خورد. او یک‌سره خود را در موضع ناصح می‌بیند و از جایگاه مدافع اسلام و انقلاب و رهبری حرف می‌زند. چیزی که هرگز به این سادگی اثبات‌شدنی نیست. حداقل درمورد شخص ایشان، ادعاهایی نظیر آنچه جناب شمقدری در خیالات خود به شهید آوینی می‌گویند و تذکر می‌دهند و جواب می‌شوند، چیزی به‌جز لیخند بر لب نمی‌نشانند. آنچه از عملکرد او به یادگار مانده و اهالی سینما به خاطر دارند، تخریب مجموعه سینما و نهادهای سینمایی، سوءمدیریت محض، ناکارآمدی، اظهارنظرهای کاملاً غیرکارشناسانه و همراهی کامل با جریانی است که دوستان اصولگرا «جریان انحرافی» نام نهاده بودند. اینکه ایشان حالا پس از مدتی استراحت، دوباره هوس میز سازمان سینمایی به سرشان زده و مدام با مطرح‌کردن خود سودای بازگشت دارند، بختی است که ظاهراً از حوزه سینما فراتر است. رئیس‌جمهور سابق که البته همین جناب از دوستان رسمی‌شان بودند، به‌همراه کل تیم دولت دهم احساس کرده‌اند که آب گل‌آلود است ولی به‌طور قطع اشتباه‌کرده‌اند.

جایزه‌روس‌هابه«شیار ۱۴۳»

● جایزه بهترین کارگردانی و بهترین بازیگر زن جشنواره «شرق و غرب» روسیه به «شیار ۱۴۳» تعلق گرفت. به گزارش ایسنا، فیلم سینمایی «شیار ۱۴۳»، به کارگردانی نرگس آبیار که در جشنواره فیلم «شرق و غرب»، «رونبرگ» روسیه حضور داشت، جوایز بهترین کارگردانی و بهترین بازیگر زن را برای بازی مریلا زارعی کسب کرد.

علمی تازه‌ای بنیاد نهاد و انقلابی در عروض فارسی پدید آورد که موضوع پژوهش‌های بدیع فراوان شد. متن این پژوهش‌ها می‌توانید در مجموعه‌مقاله‌های آخرین سمینار عروض پیدا کنید.

بد نیست در این مورد خاطره‌ای نقل کنم. یکی از فضلاي معاصر می‌گفت فاضل معاصر دیگری در زمان حیات پرویز نائل‌خانلری، از او خواسته با هم نزد خانلری بروند تا او گواهی بدهد که پژوهش‌های عروضی [آقای] نجفی ارزشی ندارد! اما به شهادت شاهد، خانلری خاموشی را به جواب ترجیح داده بود. طبقه‌بندی تازه آقای نجفی از اوزان عروضی، کشف‌های بدیع در وزن‌های دوری و حل مشکل اوزان ذویجرین و دایره‌ای که اکنون به نام «دایرهٔ نجفی» در تمام‌عیاری چون آقای ابوالحسن نجفی ندیده‌ام. روشنفکرانی دیگر با برخی خصوصیات آقای نجفی دیده‌ام اما نه به این تمامیت.

اهمیت و مقام انسان فرهنگی را باید در سهمی دانست که در پیشرفت فرهنگ مملکت خود داشته است، از خلاقیت گرفته تا تعلیم و تبادل‌های فرهنگی و تشویق جوانان و راهنمایی‌های سازنده و میراثی که از خود به جا نهاده است. در مورد آقای نجفی به پاره‌ای از آنها اشاره می‌کنم، کوتاه:
۱. «فرهنگ فارسی عامیانه» آقای نجفی که طی بالغ بر بیست سال کار مداوم فراهم آورده‌اند، با اسلوب‌ترین و روشمندترین فرهنگی است که تاکنون در زبان فارسی در این موضوع داشته‌ایم؛
۲. ترجمه‌هایی که به‌قول زنده‌یاد محمد قاضی گل سرسید ترجمه‌ها از فرانسه به فارسی است؛
۳. اولین پایه‌گذار ویرایش علمی و فنی در ایران. ویرایشگری در انتشارات فرانکلین، ادامه کار آقای نجفی در انتشارات نیل بود نه پایه‌گذاری آن؛

۴. پرورش‌دهنده نویسندگان فراوانی که بهرام صادقی و تقی مدرسی و هوشنگ گلشیری تنها مشهورترین آنها هستند؛
۵. معارف صادق و امین بسیاری از بهترین چهره‌های داستان‌نویسی فرانسه در ایران؛
۶. تألیف کتاب «مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن» که تاکنون بیش از ده چاپ از آن منتشر شده است؛
۷. تألیف کتاب «غلط‌نویسیم» که حساب چاپ‌های آن از دست من در رفته، اما می‌دانم آقای نجفی برای ویرایش دوم آن مطالب فراوانی فراهم آورده‌اند که حجم کتاب را سه برابر می‌کند و به گفته ایشان کتابی می‌شود کاملاً متفاوت؛ با تغییرهایی در مواضع قبلی آقای نجفی؛
۸. و از همه مهم‌تر کشف‌ها و ابداع‌های اوست در عروض فارسی. آقای نجفی عروض فارسی را بر پایه

هنر

یادداشت

آقای نجفی، مرد بی‌همتای دانش و آرامش

که به خاطر سیاست بر همه چیز خانلری خط بطلان بکشد و با هوچیکری بنویسد: «خانلرخان هم که شاعر دربار شده است». این است تفاوت روشنفکر اصیل و فرهنگ‌مدار با آن فاضل دیگر که شاید برای محبت به خانلری با بغض و حسد به سیمین بهبهانی (آخر چرا؟) برترین غزلسرای معاصر، به اعتبار غزلی بی‌اعتبار از «ماه در مرداب»، خانلری را نیمای غزل می‌نامد تا به خیال خود عنوان «نیمای غزل» را از خانم بهبهانی سلب کند. این‌گونه که ارتجاع پس‌پس می‌رود کم‌کم نیما را هم باید شاگرد خانلری دانست. در برابر میراث گرفتار نیما به‌قول یکی از معاصران باید گفت:

آنجا که عقاب بر بیزد از نائل خانلری چه خیزد روزی به آقای نجفی گفتم کسی مجموعه‌مقاله‌ای خواندنی چاپ کرده با مقاله‌ای پیرت در آخر درباره مثلا طرز پختن کته. سسکوتی کرد و لیخندی تلخ. پرسیدم: «منظور؟» گفت: «این فرد روزی هیجان‌زده و خوشحال پیش من آمد که امروز در سخنرانی معماری ایتالیایی بودم که بنا بود در باب معماری سخنرانی کند اما چون مخاطبان را یرت دید ناگهان موضوع را عوض کرد و روی تخته سیاه به شرح ساختار استخوان‌های بدن و کالبدشناسی پرداخت. کس از اینکه مخاطبان ایرانی تحقیر شده بودند به وجد آمده بود. مقاله او هم درباره کته‌پختن، تقلیدی از آن سخنرانی است». از اینجا دانستم مدت‌هاست طرف از چشم نجفی افتاده است. البته راوی به‌وجدآمده واقعیت ماجرا را هم، به‌خصوص اگر به زبان فرنگی بوده، گمان نمی‌کنم درست فهمیده باشد. یک ایتالیایی در ایران در حضور جمع چنین بی‌ادی نمی‌کند. به قول مولانا، مصرع: مردم اندر حسرت فهم درست، شاید، یعنی حس می‌زنم می‌خواسته‌م میان کالبد انسان و معماری طبیعی ارتباطی برقرار کند.

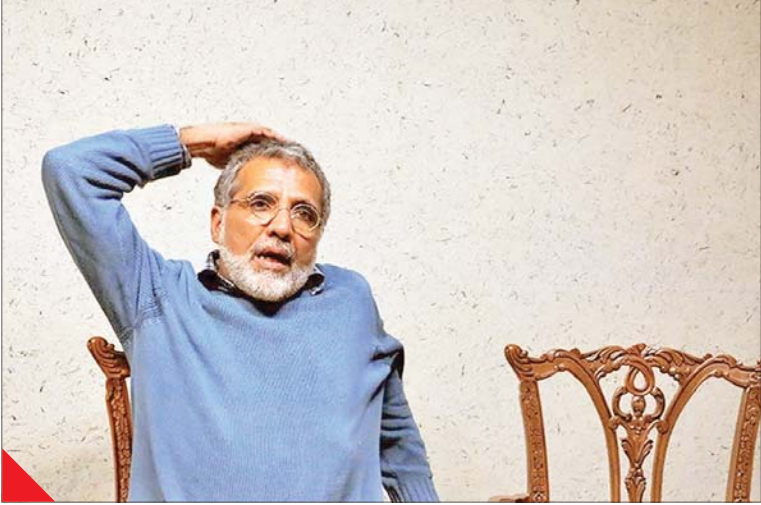
خوب است چقدر از این مثلاً روشنفکرها را دیده باشم که با بضاعت مزاجه چه اداهایی که درنمی‌آورند. «روشنفکر» در ایران و intellectual» در غرب معنای منفی هم دارند. در ایران وقتی می‌گویند فلانی روشنفکر است یا خیلی روشنفکر است اغلب ناظر به همان معنای منفی است.

از اول شهریور امسال هر روز ضعیف‌تر می‌شد. داشتم نگران می‌شدم. روزی گفت:

- چرا نوشته‌ای را که می‌خواستید بخوانسم

واکنش‌ها به شغل جدید کارگردان «روابه»

«افخمی» روی صندلی «هفت»



علیرضا حسین صالحی‌را

شدیم و علتش هم واضح بود. ما نه طرفدار جامعه صنفی تهیه‌کنندگان بودیم و نه طرفدار خانه سینما؛ قصد داشتیم که در وسط بایستیم و هم جامعه صنفی تهیه‌کنندگان و هم خانه سینما را نقد کنیم، اما فضا به نحوی بود که اگر وسط قرار می‌گرفتی، تو را قبول نمی‌کردند و هیچ‌کس نمی‌پذیرفت که تو جزء هیچ‌کدام نیستی...

بعد از خداحافظی گروه فریدون جیرانی از این برنامه، گزینه‌های بسیاری برای اجرای فصل دوم برنامه «هفت» پیشنهاد شد که در نهایت محمود کبرلو اجرای برنامه را برعهده گرفت، حتی حدس اینکه اجرای این برنامه را کبرلو عهده‌دار خواهد شد، برای بسیاری غیرممکن بود. کبرلو تا پیش ازاین به سابقه مطبوعاتی و نقدنویسی در میان اهالی سینما شناخته شده بود. حضور کبرلو و اجرای برنامه هفت و چالشی بودن آن برای مخاطبان این برنامه جای پرشش بود. تقریباً مدت زمان زیادی سپری شد تا کبرلو توانست خود را در مقام مجری برنامه تثبیت کند؛ هر چند انتقادهایی از این دست که کبرلو در هادالت بحث‌های چالشی خیلی موفق نیست یا محافظه‌کاری زیادی در گفته‌هایش وجود دارد، از جمله اتهام‌هایی بود که از سوی برخی از اهالی سینما و منتقدان درباره اجرای او مطرح شده بود.

مسعود فراسنتی منتقد معترض سینمای ایران که بعد از کناره‌گیری جیرانی از هفت همچنان صندلی نقدش در هفت را حفظ کرد نیز بعد از

نمی‌آورد؟
- آخر با این ضعف...
- نه بیاورید.
- طولانی است.
- اشکالی ندارد بیاورید.
نوشته را به آقای نجفی دادم. چند روز بعد تلفن کرد.

- لطفاً بیایید نوشته‌تان را بگیرید، ممکن است کم شود.

- نگرانیم بیشتر شد. به حضورش رفتم. نوشته روی میز بود با شماره صفحه‌هایی از نوشته بر صفحه اول آن. به‌آرامی گفتم:

- نصرت رحمانی خود را متأثر از نیما نمی‌دانست. می‌گفت نیما شاعر روستاست و من شاعر شهر.
ایسن را خوانده بودم. آنچه نصرت رحمانی توجه نداشت این بود که او در شهر متصل به جویبار بود و نیما در ده به دریا. اما ایراد آقای نجفی درست بود. نام نصرت رحمانی را از فهرست کوتاه خود خط زدم. می‌خواستم بلند شُود، برای نخستین‌بار کمک طلبید. دیدم خیلی ضعیف شده. کار به بیمارستان کشید. از اینکه خبر بستری‌شدنش در روزنامه‌ها آمده ناراحت بود. عادت به این هجوم به خلوت خود را ندارد، حتی در بیمارستان. می‌خواستم به دیدارش بروم، تلفن کردم:

- اگر چیزی می‌خواهید بفرمایید.
- دفترچه و خودکار، دیشب نکته‌هایی از عروض به ذهنم رسید، می‌خواهم یادداشت کنم.
بالاخره آقای نجفی چیزی از من خواست. بردم. از دیدن دفترچه نسبتاً زیا ذوق کرد، از دو خودکار هر یک را، دو سه بار امتحان و یکی را که روان‌تر می‌نوشت، انتخاب کرد. می‌دانم برای هیچ چیز جز اتاق کارش دلتنگ نشده است.

در آقای نجفی آرامشی را همیشه دیده‌ام که محصول دانش عقیق چیزی از من خواسته‌ام که این تعریف از فرهنگ را پس‌ندیده و تکرار کرده است: «فرهنگ آن چیزی است که وقتی همه آموخته‌های خود را فراموش کنی برایت باقی می‌ماند».

خوشبختانه ذهن او همچنان دقیق است و استوار، روشن و بی‌یاد.

سایه استادم آقای ابوالحسن نجفی بر سرم مستدام باد.

هفت را در قالب برنامه‌ای تولیدی روی آنتن ببرد. این همان رویکرد ایده‌آل مدیر رسانه ملی است که ظاهراً عوامل برنامه سری جدید هفت نیز باید به آن تن بدهند. از سوی دیگر گفته می‌شود یکی از دلایل تولیدی‌بودن برنامه هفت می‌تواند درگیری‌های افخمی در انجام کارهای معمولش مثل سریال‌سازی یا فیلم‌سازی باشد.

افخمی در دسترس نیست

پیگیری‌های «شرق» برای صحبت با بهروز افخمی درباره چگونگی اجرای برنامه و رویکردش نسبت به این برنامه به نتیجه نرسید و او ترجیح داد تماس‌ها را بی‌پاسخ بگذارد. بهروز افخمی، کارگردان پرحاشیه سینمای ایران، که در بخشی از سابقه او نمایندگی مردم در مجلس شورای اسلامی نیز خوندمایی می‌کند، به‌زودی نماینده سینمای ایران در اجرای برنامه سینمایی «هفت» خواهد شد و مشخص نیست این کارگردان سینما می‌تواند این‌طور که باید تئور این برنامه را داغ کند یا اساساً حضورش جذایتی برای مخاطب داشته باشد؟ تا به اینجا نشستی رسانه‌ای که به‌منظور تشریح برنامه «هفت» در سری جدید در نظر گرفته شده بود، به تعویق افتاده است و جزئیات چگونگی حضور او و تغییرات برنامه مشخص نیست.

واکنش سلحشور

از سوی دیگر اهالی سینما نیز نقطه‌نظر روشنی نسبت به حضور همکارشان در این برنامه ندارند و همه چیز را به گذر زمان موکول کرده‌اند. ظاهراً واکنش سینماگران به انتخاب بهروز افخمی برای صندلی سردبیری «هفت» یک‌جور بی‌تفاوتی است. از سینماگری مانند سلحشور که می‌گوید: «به‌نظم رفقی نمی‌کند سردبیر هفت چه کسی باشد. کبرلو به هر کسی دیگری، تفاوتی با هم ندارند. به خاطر اینکه اهالی سینما همه یک‌جورند. طرفداران سینما و بنیان‌گذارانش همه یک‌جور فکر می‌کنند و تفاوتی ندارند. بنابراین فرق ندارد افخمی سردبیر این برنامه باشد یا شخصی دیگر». از سوی دیگر، همایون سعیدیان، عضو هیات‌مدیره خانه سینما، این خبر را خوشحال‌کننده می‌داند اما می‌گوید درباره این اتفاق نظری ندارد. مانی حقیقی و حمید نعمت‌الله هم سینماگرانی هستند که وقتی می‌شنوند افخمی بر صندلی سردبیری «هفت» تکیه زده، نظری ندارند. این مشتم می‌تواند نمونه خرواری باشد که از بی‌تفاوتی سینماگران نسبت به تریبونشان در رسانه ملی حکایت دارد.

چهره روز

پرواز‌های:

بستری‌مافیایی برای‌من‌درست‌شد



● پرواز‌های که به بهانه انتشار آلبوم خود در میان خبرنگاران حاضر شد، عنوان کرد که در سال‌های گذشته بستری مافیایی برای من درست شد و گفتند که همای در

ایران نیست. نشست خبری و مراسم رونمایی از آلبوم «در شب گیسوان تو» با صدای پرواز همای (سعید جعفرزاده)، شنبه، ۲۸ شهریور در فرهنگسرای ارسباران تهران برگزار شد. این خواننده در ابتدا به ارائه توضیحاتی پیرامون آلبوم تازه‌اش پرداخت: «تمام کارهای این آلبوم در ایران ضبط شده است و به غیر از دو قطعه قدیمی که بازتنظیم شده، بقیه کارها جدید و با فضایی عاشقانه - عارفانه در آلبوم قرار گرفته‌اند. پنج شعر توسط خودم سروده شده و بقیه اشعار از اخوان‌ثالث، فاضل نظری و هوشنگ ابتهاج هستند». او که هفت‌سال توانسته است روی صحنه برود و در تابستان امسال قرار بود کنسرتی برگزار کند که لغو شد، در مورد این رویدادها گفت: «کنسرت من بنا به دستور مقامات قضائی از چند جناح مختلف لغو شد و ما هم به این نظرات احترام گذاشتیم. قرار شد آلبوم منتشر کنیم تا فضا آرام و سوءتفاهم‌ها برطرف شود، نگاه‌های منفی از بین برود و همه با فضای کار ما بیشتر آشنا شوند». قرار است من هفته دوم مهر روی صحنه بروم و از حدود یک‌ماه قبل، آلبوم من منتشر شد». همای افزود: «هر هنرمندی در طول فعالیت‌های خود ممکن است وارد جریان‌هایی شود. بسیاری از کارهای گذشته‌ام اشتباه بوده اما حالا می‌خواهم در مملکت خودم کار کنم. پس از گذشت این سال‌ها بهتر می‌توانم تصمیم بگیرم. بسیاری از چالش‌هایی که برخی رسانه‌ها ایجاد کردند باعث شد بسیاری از استادان ما نتوانند در کشور فعالیت کنند. ما هنرمندانی داریم که در این مملکت به مقام استادی رسیدند اما همین چالش‌های سیاسی باعث شد تا از حضور روی صحنه محروم بمانند. من هم یک هنرمند و به‌هیچ‌وجه قصد سیاسی‌کاری ندارم. اگر به من اجازه داده شود، می‌خواهم کار خودم را انجام دهم». پرواز همای سپس به تبعات لغو کنسرتش اشاره کرد: «همه موسیقی‌دان‌هایی که درباره لغو کنسرت من صحبت کردند، تمام مجوزهای خود را دارند و کنسرت‌هایی که در ایران اجرا برگزار می‌کنند، دیگر کنسرت‌هایی که در ایران لغو می‌شوند، با بلیت‌هایش به فروش نرفته‌اند یا امام‌جمعه شهر یا یکی از مسئولان شهر مخالف برگزاری کنسرت بوده‌اند. پس از لغو کنسرت‌رم زبان همه باز شد. کارشناسی بی‌خود استادان، قضیه را برنگرد کرد. در سال‌های گذشته بستری مافیایی برای من درست شد و گفتند که همای در ایران نیست، متأسفانه ما موزیسین‌ها تا همدیگر را داریم به دشمن نیاز نداریم». او در مورد ضررهای لغو کنسرت تابستان گفت: «حدود ۲۰۰ میلیون تومان ضرر کردیم اما تلاشمان بر این بود که هزینه بلیت‌ها سرعاً به مردم برگردانده شود. اما واقعاً باید هزینه ۱۶ هزار بلیت خریداری‌شده به ۲۵ بانک مختلف بازگردانده شود. خوشبختانه با کار مداوم دوستانمان توانستیم تمام این هزینه‌ها را به مردم بازگردانیم».

زیر آسمان فیروزه‌ای

در قبال یک کنسرت خیره‌بر صورت می‌گیرد همیاری علیشاپور با شیدا جاهد در «شیدایی»

● شرق: حسن علیشاپور، خواننده موسیقی ایرانی، کنسرتی را با عنوان «شیدایی» برای همیاری با شیدا جاهد، خواننده‌ای که مدتی است دچار بیماری است، برگزار می‌کند. در این کنسرت که هشتم همراه در تالار رودکی برگزار می‌شود، مهدی رستمی، نوازنده ستار و محمدرضا شریلی، نوازنده تنبک، نیز حضور دارند. این دو نوازنده پیش از این نیز سابقه اجرای مشترک با علیشاپور را داشته‌اند. این خواننده در گفت‌وگویی پیرامون چگونگی و چرایی برگزاری کنسرت گفت: سابقهٔ آشنایی و دوستی من با مسعود و شیدا جاحم به سال‌ها پیش برمی‌گردد و اکنون که این مشکل برای شیدا پیش آمده، وظیفه دوستی دانسته‌ام که کاری کوچک برای تسکین درد دوستانم انجام دهم. هرچند می‌دانم که بسیاری ناقابل و اندک است. وی افزود: در این راستا با خود دوستان هم مشورت کردم و از آنها خواش کردم تا کنسرتی را به این منظور برگزار کنم که آنها نیز پذیرفتند. علیشاپور در ادامه گفت: مهدی رستمی، نوازنده خوب ستار و محمدرضا شریلی، دوست تنبک‌نوازم، هم طی گفت‌وگوی کوتاهی که داشتم، قبول زحمت کردند که در این کنسرت همراه من باشند. ضمن آنکه برای برگزاری کنسرت از افشین معصومی، مدیرعامل مؤسسه نغمه حصار، خواش کردم که برنامه را برگزار کند و امور اداری‌اش را انجام دهد که وی نیز بلادرنگ و بزرگوارانه پذیرفت تا در این مسیر همراه ما باشد.

گفتنی است بلیت این کنسرت در سایت ایران‌کنسرت به آدرس www.iranconcert.com عرضه می‌شود.